بسم الله الرحمن الرحیم

تعریف خلط ، ارکان بدن، ساختمان تن ، گرایش معنوی ، مزاج شناسی ، صفراء ، سوداء ، بلغم ، دم ، درمان معنوی ، تأثیر دعا در درمان ، تأثیر روح در رفع بیماری ها ، عسل ، سردی بدن ، گرمی بدن ،

حجامت مساوی واکسیناسیون عام ، دلیل کتمان علم حکماء ، وضعیت طب در جامعه ، طب اسلامی در حکومت اسلامی ، وزارت بهداشت ، تعریف طبیب ، تعریف حکیم ، حفظ سلامت ، تعریف بهداشت ، تعریف بیماری ، تعریف درمان ، تأثیرات غلبه ی صفراء ، عصبانیت ، جوش صورت ، کنترل صفراء ، بلغم ، ماست ، شیر ، غذای زمان بارداری ، عوامل بلغم ، تأثیرات بلغم ، افزایش بلغم ، لکنت زبان بچه ، دیر زبان باز کردن بچه ، کند ذهنی بچه ، عامل ضعف حافظه ، سقط بچه ، تشکیل قلب جنین ، سردیجات ، تنبلی چشم ، ایجاد تعادل اخلاط اربعه ، تیروئد نوزاد ، روش تشخیص شیر گرم ، روش تشخیص شیر سرد نوزاد.

در طب سنتی فهم اصل طب و فهم تطبیقی داریم . فهم تطبیقی همان اطلاعات جدید و ویرایشی که انجام می شود هست . لذا کسانیکه در دوره ی اول و دوم طب درس خوانده اند باز هم باید مطالبی که در دوره ی سوم بیان شده را بخوانند.

ما با این فرضیه صحبت می کنیم که مجموعه ی اطلاعات قبلی را که در دوره های اول و دوم بیان کرده ایم را شما شنیده اید . شما باید آن اطلاعات را بشنوید و بخوانید و من اطلاعات جدیدتری را به شما می گویم.

بحث های مزاج شناسی را تدوین کردیم از سطح دیپلم تا دکترا که از آنجا به بعد هم در چندین سطح تدوین شده است .

در طب اسلامی ایرانی سنگ بنای خلقت انسان است و از چهار ماده است . شامل صفراء ، دم ، بلغم و سوداء . ساختمان تن انسان با این چهار ماده ساخته می شود و تفکرات انسان و رفتارهای تن ناشی از ترکیب این چهار ماده است .

حتی گرایش های معنوی نیز اینچنین است . کسی که سردی بیشتری پیدا کرد گرایش عبادی اش کمتر می شود . سردی به حدی می شود که شخص کفران می گوید .

این چهار ماده از چهار رکن برخواسته اند :

صفراء از آتش

دم از هوا

بلغم از آب

سوداء از خاک

در طب سنتی به این چهار ماده ، خلط می گوییم .

انسان دو بعدی آفریده شده است ، خلقت بدن و مادی انسان . از چهار خلط متضاد می باشد . تن انسان برتری دارد چون جمع اضداد عنصری است . مخلوقات قبلی غلبه ی تک عنصری داشته اند . ابلیس می گوید من یک عنصر هستم و فقط از آتش هستم . آتش گرم و لطیف است و شتاب حرکت آتش از خاک بیشتر است .

طب ، با بُعد مادّی انسان کار دارد .

روحانیت با بعد معنوی انسان کار دارد .

طبیب سعی می کند کاهش اخلاط در اعضاء را درست کند تا بیماری درمان شود .

مثلا می گوید ، پای شما سرد است چون صفراء او کم شده است لذا صفرازا می دهیم تا گرم شود .

شخصی که با بعد روحانی کار دارد می گوید : ذکر لاحول و لا قوه الا باید بگو تا قوت قلبی به تو بدهد که این قوت قلبی خون تو را گرم خواهد کرد و این خون گرم در سراسر بدن شما حرکت می کند و حرارت بدن افزایش پیدا کند و دست و پا گرم می شود .

می شود تن را از طریق روح گرم کرد ، چنان گرمایشی که بتواند بیماری عفونی را درمان کند . بیماری عفونی ای که باید با آنتی بیوتیک طب کلاسیک یا سیاهدانه و عسل طب سنتی برطرف می شد .

در طبابت بستگی به نوع گرمازا فرق می کند .

گاهی فلفل و عسل می دهد که به سرعت گرمش می کند .

گاهی شربت عسل می دهد و زنبورش شکر خورده است . جزء عسل ها هست ولی تا وقتی بدن را گرم کند زمان می برد . بعضی وقت ها در عسل انسولین می ریزند لذا وقتی در آزمایشگاه می بری بازهم قندش را پایین نشان می دهد ولی عملا خاصیت عسل بسیار کم می باشد .

تن انسان هم با دستورات معنوی و هم مادی می تواند درمان شود .

پس اینکه شخصی سرطان داشت و در آزمایشات نیز نشان داد . ولی با یک نذر و توسل برطرف می شود و شفا می گیرد بخاطر همین است .

سرطان یعنی بلوغ سوداء که در طب کلاسیک از یک داروی غیرمتعارف خیلی گرم استفاده می کند مثل شیمی درمانی و...

در طب سنتی هم از داروهای گیاهی خیلی گرم استفاده می کند .

اما این شخص از گرمای معنوی ولایت استفاده می کند تا درمان شود .

جنس خلقت امام معصوم علیه السلام از نور است و این نور ، پرتو افکن است .

وقتی لباس شرک و کفر و تردید را از تن خود بیرون بیاوریم ، آن نور برما تأثیر میگذارد . آن نور سر جایش هست و حرارتش وجود دارد ولی مانع و مشکل از ماست که نمی توانیم استفاده کنیم .

حکماء معتقد بودند ولی بیشتر به بُعد مادی درمان توجه داشتند .

همین الان خیلی از دستورالعمل ها را در ایران اسلامی پیاده نمی کنیم و نمی توانیم .

مثلا بسیج به عنوان یک خدمت ، واکسن به مردم می دهد ولی حجامت را بصورت عمومی انجام نمی دهد نه اینکه فرمانده معتقد نباشد بلکه از سیستم حکومت و اعتراضات وزارت بهداشت و... می ترسند . علماء نیز از سیستم های حکومتی خودشان می ترسیدند لذا نمی توانستند اظهار نظر کنند و کتمان می کردند .

بنده مقام معظم رهبری را چند ماه پیش حجامت کردم .

من داشتم دعای حجامت را می خواندم ، رهبری فرمودند که چه می گویی ؟ گفتم دعای حجامت می خوانم ، ایشان فرمودند که بلند بخوان تا من هم تکرار کنم .

سوالی هم از متن این دعا پرسید : من العین فی الدم را شما چه معنا می کنید ؟ گفتم : تعادل در خون

ایشان فرمودند : غلط هست . این یعنی چشم زخم در خون . آقا مصطفی که آنجا بودند گفتند : به تعادل در خون نزدیک تر است . آقا فرمودند نه ، عین 70 تا معنی و ترجمه دارد . برایند ترجمه ها را اگر بخوانید به این می رسید در اینجا .

همین دعای حجامت و مضمونی که در این دعا وجود دارد کلی خیر دارد .

به حضرت آقا گفتم : همین حجامت درمان شیمیایی هاست . ایشان فرمودند : پس چرا به مردم نمی گویید .

بعدا آمدیم کلیپ نیوزلندی را مطرح کردیم . با اینکه برای 8 سال پیش بود ولی بعد از فرمایش آقا ، الان این را انجام دادیم . اول هم از اون شروع کردیم چون خارجی بود و می گویند مرغ همسایه غاز است .

بعد می خواستیم دومی و سومی و ... را پشت بند آن پخش کنیم تا برسیم به شیمیایی ها .

ولی همینکه پخش شد ، سریعا وزارت بهداشت نامه نوشت که پخش نکنید این را .

دو صفحه استدلال کرده که نباید پخش کنید .

منظورم از این مثال ، نشان دادن و بیان جوّ حاضر بود . و این جوّ موجب می شود که طبیب کتمان علم کند . این کتمان علم معمولا رسم است .

ما در اوایل حجامت به حدیث معراج استناد می کردیم ؛ و آیه ی 1 سوره ی اسراء را می آوردیم که بعضی از تفاسیر در ذیل این آیه بحث حجامت را در حدیث معراج آورده اند .

حجامت مساوی واکسیناسیون عام

من می خواستم این جمله را مطرح کنم . یک مصاحبه ای با روزنامه ی رسالت انجام دادم در سال 64 که تیترش همین بود . خبرنگار گفت من نمی توانم این را مطرح کنم چون وزارت بهداشت جلوی ما را می گیرد و نمی گذارد که چاپ کنیم . گفتم راهش چیست ؟ گفت راهش اینست که شما صفحه را بخرید و تحت عنوان آگهی بنویسی . گفتم باش . هزینه اش ؟ گفت : 120 هزار تومن . که خیلی زیاد بود . در آن زمان کل اجاره ی ساختمان ما در حافظ اجاره اش ماهی 14 هزار تومن بود . من قبول کردم و پولش را دادم . این را نوشتیم و چاپ شد . روزنامه ی رسالت که روزنامه ی صبح بود ، ساعت 10 صبح نایاب شد . یک نفر آمده بود و کل روزنامه ها را خریده بود . این را چه کسی انجام داد ؟ وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران !

چون این حرف اگر شایع و پخش شود ، منفعت هایی زیر و رو می شود .

بعد از دو هفته از این جریان ، آقای قاضی دستور داد که کل تابلو را با لامپ های زیرش را هم برداشتند . وارد دادگاه شدیم ، ما را 30 نفری به هم بسته بودند . وقتی رفتیم دادگاه ، آقای کشوری آنجا بود . گفتم : من را به جرم حجامت محاکمه نکنید ، زشت است ، بعدها که مردم مطلع می شوند خیلی برای شما بد می شود چون در جمهوری اسلامی ایران است . من را به جرم نشر اکاذیب محاکمه کنید بهتر است . گفت : اینطور که نمی شود ، یک صفحه در روزنامه حرف زدی ، اگر بخواهیم به این جرم محاکمه کنیم یکسال دادگاه را معطل می گذاری ، گفتم : همه اش نه ، به جرم یکی از آن مطالب محاکمه کنید . یکی از موضوعات را به عنوان موضوع جرم مطرح کرد . تفاوت خون ....

از وزارت بهداشت و سازمان انتقال خون و هلال احمر دعوت کرد و آنها یک تیم شدند و ما یک تیم . گروه آنها روز اول آمدند و دیگر نیامدند . من گفتم اینها نمی آیند . چون می دانستم که اینها خودشان پزشک هستند و تفاوتش را می دانند . دادگاه دوباره احضار کرد و نیامدند ، بازهم نیامدند و من گفتم که اینها نمی آیند . بعد از دو ماه دیگر قضیه تمام شد .

وقتی در زمان حاکمیت اسلام ، مجبور به کتمان اعتقادات باشیم ، طبیعتا در زمان حاکمیت غیر اسلام بیشتر مجبور می شویم کتمان و مخفی کنیم . حکماء نیز در آن زمان اینچنین بودند . بوعلی سینا با سلطان محمود سر و کار داشت و باید چیزهایی می نوشت که شاه هم تأیید کند و او قانع شود .

لذا باید استقلالات عقلی را اولویت می داد تا کتابش چاپ شود .

ما الان نمی توانیم خیلی از دستورات دینی که دستور صریح از روایات دارد را در نظام جاری کنیم . نظامی که برای ایجاد این ظرف شهداء بسیاری داده ایم . بنده خودم 7 نفر از خانواده ی خود شهید داریم .

کسی که فقط بعد مادی و جسمانی را در نظر بگیرد می شود طبیب .

و کسی که هم بعد جسم و هم روح را در نظر بگیرد می شود حکیم .

حفظ سلامت در حفظ تعادل اخلاط چهارگانه است .

حفظ تعادل تن ، بهداشت می شود .

هر گاه یک یا چند خلط در یک یا چند ارگان افزایش یا کاهش پیدا کرد بیماری می شود .

مثلا اگر صفراء زیاد شد در قسمت های مختلف بدن مشکل زا می شود :

مثلا صفرای زیاد در سر موجب عصبانیت آنی می شود .

در پوست، موجب جوش می شود

در گوارش موجب تلخ شدن دهان در صبح و بی اشتهایی می شود

موجب کم خوابی می شود .

با خوردن مقدار کمی لیمو صفراء کم می شود . یا با خوردن آب خنک، سرد می شود .

این ها تظاهرات گوناگون افزایش صفراء در تن و روان بود .

یا زن در هنگام بارداری ماست و شیر خورده و سردی و بلغم زیاد شده است . لذا بچه ای که بدنیا می آید دیر زبان باز می کند ، کند ذهن و احمق می شود . بخاطر سردی غذایی که در رحم مادر خورده است . باید در رحم به بچه غذای گرم می داده که نداده . حداقل الان که بدنیا آمده باید در رحم طبیعت به او غذای گرم بدهد .

برای این بچه تنظیم میزان بلغم در بدن باید انجام شود .

تنظیم و تعدیل اخلاط چهارگانه در بدن می شود درمان .

حفظ این اخلاط در حالت تعادل می شود بهداشت .

طب در زمان قدیم ( حضرت لقمان ) خیلی پیشرفته تر از الان بود .

سالانه حدود یک میلیون نفر را از روی ناآگاهی می کشد ، اول دستور به ماست و سردیجات می دهد و بعد می گوید قلب بچه شکل نگرفته و باید سقط کنید . این همه دستور به سقط که بخاطر نفهم بودن سیستم اتفاق می افتد برای چیست ؟ زنان بی سواد در گذشته می دانستند که اگر این غذا را بخورد بچه اش قوی می شود ، چهره اش اینگونه می شود . ... الان از بس غذای سرد در رحم به بچه می دهند ، تنبلی چشم و هزاران بیماری دیگر در بچه شکل می گیرد .

ایجاد تعادل در اخلاط چهارگانه

آیا طبیب با غذاهای مختلف به تعادل می رساند . مثلا صفراء زیاد شده ، بلغم آور می دهد و ...

حکیم هم از طریق مادی و هم معنوی تنظیم اخلاط می کند .

پس حضور معنویات در تمامی مقولات را باید حکیم بفهمد و بداند .

مثلا غذا یک روح طبیعی دارد که موجب رشد می شود ولی یک روح معنوی دارد که مثلا وقتی این غذا را خورد گرایش به ظلم و ستم پیدا می کند یا نه ، و آن اینکه این غذا حلال باشد یا حرام .

بعضی ها در اصلش حرام است مثل گوشت خوک و بعضی دیگر در کیفیتش مثل اینکه دزدی باشد .

نوزاد ده روزه که تیروئید دارد را لازم نیست داروی تیروئید بدهید :

شیر مادر را گرم کنید به این طریق :

عسل ، خرما ، عرق رازیانه با عسل به مادر بدهید شیر مادر گرم می شود . اگر دوشیدید روی ناخن و غلتید یعنی سرد است و اگر مثل شبنم ماندگار شد روی ناخن یعنی این شیر گرم است .

سپس مزاج طفل گرم می شود و تیروئیدش درمان می شود .